

تأثیر ریسک سیاسی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی

مهین دخت کاظمی^۱

چکیده

همه اقتصاددانان سرمایه را به‌عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی بیان می‌کنند و برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فوایدی مانند جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، بالا بردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابت برمی‌شمارند. با توجه به نقش مهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کشورها برای جذب این نوع سرمایه تلاش می‌کنند. عوامل گوناگونی روی تصمیم شرکت‌های چند ملیتی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی مؤثر است. این شرکت‌ها قبل از هرگونه سرمایه‌گذاری ابتدا ساختار سیاسی حاکم بر کشور میزبان را بررسی می‌کنند. ساختار سیاسی یک کشور نحوه برخورد آن‌ها را با شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی مشخص می‌کند. در این مقاله با توجه به اهمیت عامل سرمایه در رشد اقتصادی هر کشور و در کنار آن جذب سرمایه‌های خارجی، به مخاطراتی اشاره می‌شود که چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را تهدید می‌کند، هر چند که این مخاطرات تجاری نیست و تحت عنوان ریسک سیاسی نامیده می‌شود. هدف، نشان دادن این مسأله مهم است که شرکت‌های چندملیتی در کشورهایی که ریسک سیاسی در آن‌ها زیاد است و اغلب جزء کشورهای در حال توسعه هستند، سرمایه‌های خود را وارد نمی‌کنند و کشورهای مذکور، از این جهت در مضیقه قرار می‌گیرند. بیمه ریسک سیاسی می‌تواند به‌عنوان راه حلی برای این مشکل مطرح می‌شود.

واژگان کلیدی: ریسک سیاسی، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه ریسک سیاسی

^۱ استادیار اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤل) md-kazemi@um.ac.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر، همراه با جهانی‌شدن/کردن اقتصاد و تجارت، بررسی ریسک سیاسی نیز اهمیت روزافزون یافته است. سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین دولت‌ها در کشورهای میزبان سرمایه به این امر توجه خاصی دارند. برای دولت‌ها، علت اصلی بررسی زمینه‌های ریسک سیاسی این است که موفقیت خود را در جلب سرمایه‌های خارجی می‌دانند. هدف این دولت‌ها آن است که با تضمین سرمایه‌گذاری خارجی و در صورت امکان با هزینه کمتری شرکت‌های فراملیتی را به سرمایه‌گذاری در کشور خود تشویق کنند. از طرف دیگر، علت توجه شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار به بررسی ریسک سیاسی نیز روشن است. سرمایه‌گذاران خارجی می‌کوشند با اطمینان خاطر بیشتر از سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر از منافع آن بهره‌مند شوند.

بر خلاف نگرشی که در چند دهه پیش وجود داشت، امروزه کمتر کشوری در جهان است که با همه توان برای جلب سرمایه خارجی نکوشد. رقابت و مسابقه‌ای بی‌امان برای جلب سرمایه‌های خارجی در جریان است که توفیق در آن نه تنها از دیدگاه دولت‌مردان، که حتی از دید شهروندان عادی نیز نشان‌دهنده مقبولیت سیاست‌ها و جذابیت فضای اقتصادی و سیاسی آن کشور در صحنه بین‌الملل است. سرمایه‌گذاران خارجی در کنار برآورد امکانات بالقوه سودآوری در یک کشور جدید، به ارزیابی امنیت سرمایه و سودهای هنوز به دست نیامده نیز می‌اندیشند و بر خلاف دیدگاهی که گاه تبلیغ می‌شود، شرکت‌های چندملیتی با دقت و وسواس بسیار دست به این نوع سرمایه‌گذاری‌ها می‌زنند.

در مناطقی که شرایط کلی به نظر جذاب می‌آید، برای نمونه در آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، شرکت‌های چندملیتی به سرمایه‌گذاری‌های چشم‌گیری دست می‌زنند، ولی در کشورهای دیگر که درست یا نادرست ارزیابی مثبتی از آن‌ها وجود ندارد، کوشش دولت‌مردان با همه در باغ سبزی که نشان می‌دهند، ناموفق می‌ماند. به‌طور مثال، جمهوری‌های شوروی سابق با همه امکانات بالقوه‌ای که دارند در این راستا ناموفق بوده‌اند. هدف این مقاله، نشان‌دادن اهمیت ریسک سیاسی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است؛ زیرا جذب سرمایه همواره به‌عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود و توجه یا عدم توجه به یکی از مهم‌ترین عواملی که بر آن تأثیر می‌گذارد (ریسک سیاسی) می‌تواند ما را به این رشد و توسعه نزدیک‌تر و یا از آن دورتر کند.

۱- مبانی نظری

۱-۱- چستی ریسک سیاسی

ریسک سیاسی ناگهانی‌ترین رویدادی است که بر وضعیت سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی فعال در کشور اثر می‌گذارد. نیروهای سیاسی موجود در کشور می‌توانند تغییرات اساسی و عمده‌ای را در وضعیت کشور به وجود آورند و این تغییرات بر منافع و سایر هدف‌های سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی تأثیر می‌گذارد. برای تحقق ریسک سیاسی لازم است که تغییرات سیاسی در محیط کار پیش‌آید به طوری که سبب انقطاع و عدم استمرار فعالیت‌های یک سازمان و یا شرکت‌های خارجی شود. ضمناً امکان پیش‌بینی تغییرات مزبور نیز به سختی فراهم باشد. ریسک سیاسی یعنی این احتمال که نیروهای سیاسی در یک کشور در مقابل کوشش شرکت‌های چند ملیتی برای رسیدن به اهداف خود به‌ویژه سودآوری کار شکنی کنند و بر آن‌ها اثر منفی بگذارند.

لازم است بین ریسک سیاسی و عدم ثبات سیاسی تمایز قائل شویم؛ چه این دو پدیده‌هایی جدا از هم، اما مرتبط با هم هستند. بی‌ثباتی یک ویژگی محیطی است ولی ریسک سیاسی میزان خطرهایی است که بی‌ثباتی محیطی ممکن است برای فعالیت‌های شرکت‌های بین‌المللی سرمایه‌گذار به وجود آورد و بر فعالیت‌ها و امور آن‌ها اثر بگذارد. نوسانات سیاسی که بر شرایط کاری یک مؤسسه اثر نمی‌گذارد، ریسک سیاسی محاسبه نمی‌شود. به‌علاوه درحالی‌که عدم ثبات سیاسی ممکن است در کل کشور حاکم باشد، ریسک سیاسی، خاص یک مؤسسه است. شرایط محیطی ویژه‌ای که ممکن است برای یک سازمان، ریسک سیاسی قلمداد شود ممکن است برای سازمان دیگر ریسکی در بر نداشته باشد.

ریسک‌های سیاسی و اقتصادی از منابع متفاوتی نشأت می‌گیرند و هر یک واکنش‌های مدیریتی خاص خود را می‌طلبند. تصمیمات دولت‌ها همواره سیاسی هستند اما عواملی که باعث اتخاذ این تصمیمات می‌شوند ممکن است اقتصادی باشند. البته بین عوامل اقتصادی و سیاسی ارتباط متقابلی وجود دارد و در بسیاری از موارد تفکیک آن‌ها به دشواری امکان‌پذیر است. با این وجود شرکت‌های بین‌المللی باید بکشند که عوامل سیاسی را از سایر عوامل تفکیک کنند و تصمیم درست و مناسبی را در رابطه با ادامه فعالیت خود اتخاذ نمایند.

ریسک سیاسی ممکن است در سطح کلان یا خرد باشد. ریسک کلان زمانی وجود دارد که تمامی مؤسسات خارجی در یک کشور تحت تأثیر مخاطرات سیاسی واقع می‌شوند و ریسک خرد زمانی وجود دارد که برخی مؤسسات و صنایع و یا حتی برخی از پروژه‌ها و طرح‌ها، تحت تأثیر ریسک قرار می‌گیرند. ریسک خرد که متداول‌تر هم هست، معمولاً در زمان آشفتگی‌های سیاسی بروز می‌کند و در اغلب موارد

نیز به صورت موقتی جلوه‌گر می‌شود. در زمان آشوب‌ها و التهاب‌های سیاسی معمولاً مؤسسات خارجی و کارکنان آن‌ها هدف مخالفان رژیم در کشور میزبان قرار می‌گیرند و گاهی مدیران آن‌ها نیز ممکن است به گروگان گرفته شوند (AlonLian, 2009, pp.127-137). در یک بررسی که میزان آسیب‌پذیری صنایع را درجه‌بندی می‌کند، صنایعی که به واردات مداوم تکنولوژی جدید از خارج از کشور وابستگی دارند، ریسک سیاسی کمتر، و پروژه‌هایی که با منابع طبیعی و مواد خام و هم‌چنین مؤسسات مالی و اعتباری مرتبط می‌شوند با ریسک سیاسی و آسیب‌پذیری بالاتری مواجه بوده‌اند. مؤسسات مالی آسیب‌پذیرترند چون که احتمال زیادی دارد که به پایگاهی برای نفوذ و کنترل کشور میزبان تبدیل شوند. در این حالت کشور خارجی، حضور فیزیکی در کشور میزبان ندارد و فقط به شرکت‌های داخلی وام می‌دهد و دولت بازپرداخت آن‌ها را تضمین می‌کند. مسؤولیت نهایی این ریسک با دولت است و با بدهی‌های خارجی در ارتباط است (Al Khattab; Ancher; Eleannor, 2007, pp.734-743).

ریسک سیاسی تمامی کشورها را دربرمی‌گیرد و خاص کشورهای توسعه‌نیافته نیست. در کشورهای توسعه‌یافته نیز ریسک سیاسی وجود دارد. برای مثال انتخابات سال ۱۹۸۰ فرانسه که به پیروزی میتران منجر شد، تغییرات اساسی در محیط تجاری و بازرگانی فرانسه ایجاد کرد و به ملی کردن بسیاری از صنایع زیربنایی از جمله صنایعی که با سرمایه‌گذاری خارجی به وجود آمده بودند انجامید. در همان سال کانادا سیاست قبلی‌اش را که استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی بود، کاملاً تغییر داد و سیاست جدیدی را اتخاذ نمود که به کاهش مشارکت خارجیان در بعضی از صنایع منتهی شد. ریسک سیاسی در داخل کشورهای اصلی که خود منشأ اولیه ایجاد سازمان و شرکت فرامرزی هستند، نیز به وجود می‌آید. برای مثال، در آمریکا این ریسک سیاسی به صورت تحریم‌های سیاسی علیه آن دسته از شرکت‌هایی که با کشورهای آفریقای جنوبی و کشورهای بلوک شوروی سابق به تجارت می‌پرداختند متجلی شد. در سوئد نیز دولت، شرکت‌های سوئدی را از سرمایه‌گذاری در آفریقای جنوبی و نامیبیا بازداشت و خواستار توقف عملیات موجود در این دو کشور شد. ریسک سیاسی همانند هر ریسک سیاسی دیگری هم می‌تواند به منفعت بینجامد و هم به ضرر. به عنوان نمونه‌هایی از منافع ناشی از ریسک‌های سیاسی برای شرکت‌های بین‌المللی، می‌توان به تغییرات عمده سیاسی که در دهه ۱۹۷۰ در کشور چین اتفاق افتاد و محیط کار و تجارت را برای کشورهای خارجی مساعد کرد و هم‌چنین به تغییراتی که در سال ۱۹۸۳ با دگرگونی در حزب حاکم در کانادا رخ داد و باعث ایجاد تسهیلاتی برای سرمایه‌گذاری خارجی در آن کشور شد، اشاره نمود.

۲-۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

به لحاظ نظری، همه اقتصاددانان سرمایه را به‌عنوان نیروی محرک رشد و توسعه اقتصادی کشورها تلقی می‌کنند و همه مدل‌ها و الگوهای توسعه اقتصادی را بر پایه همین اندیشه طراحی می‌کنند. بدیهی است که تأمین مالی سرمایه داخلی از طرق مختلف هم‌چون استفاده از پس‌انداز داخلی، بدهی خارجی و جذب سرمایه خارجی امکان‌پذیر است. کشورهایی که برای توسعه خود در داخل از سرمایه کافی برخوردار نباشند، توسط سرمایه‌های خارجی را از ضروریات توسعه اقتصادی تلقی خواهند کرد (ذوالقدر، ۱۳۸۸، صص ۸۹-۱۰۷). فواید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، بالابردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابت است. البته باید خاطر نشان کرد که ضعف مدیریت و سیاست‌های ناصحیح در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند پیامدهای منفی از قبیل ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، انهدام صنایع با مقیاس تولید کوچک و نیز تشدید بی‌کاری را به همراه داشته باشد.

با توجه به نقش مهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کشورها برای جذب این نوع سرمایه تلاش می‌کنند. در واقع، بازار جهانی جذب این نوع سرمایه‌ها بسیار رقابتی است. این رقابت به‌ویژه میان کشورهای در حال توسعه با توجه به لزوم دستیابی سریع به توسعه و کمبود منابع مالی بیشتر است. این‌گونه کشورها دنبال جذب انواع سرمایه هستند و بدین منظور تمهیدات گوناگونی را برای جذب این نوع سرمایه‌ها به کار می‌برند. چنان‌که سرمایه‌گذاری به‌منظور دسترسی به بازار کشور میزبان و تولید برای همان بازار باشد، دارای جهت بازاری و اگر به‌منظور تولید با هزینه کمتر جهت صدور به بازارهای هدف باشد، دارای جهت صادراتی است. البته در گذشته نظرات متفاوتی در خصوص پیامدهای ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان وجود داشت و برخی کشورها، به‌دلیل در خطر افتادن استقلال اقتصادی و تبعات فرهنگی، در جذب این سرمایه با عدم اطمینان و شک روبه‌رو بودند؛ اما امروزه اکثر کشورهای جهان معتقدند که جذب سرمایه خارجی با هدف رفع کمبود سرمایه، دانش، تکنولوژی و تکنیک‌های جدید مدیریتی لازم است. بنابراین بیشتر کشورهای جهان، حتی کشورهای پیشرفته برای مناسب‌نمودن بستر ورود سرمایه خارجی، سعی در شناسایی عوامل مؤثر بر آن و انطباق آن با وضعیت خود دارند. بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مهم است و شاید تنها راه برخورداری از مزیت‌های جریان بین‌المللی سرمایه باشد (شاه‌آبادی؛ محمودی، ۱۳۸۳، صص ۸۹-۱۲۵). عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از این قرارند:

الف) عوامل اقتصادی: در این گروه مجموعه عواملی مد نظر قرار می‌گیرد که به‌نوعی به محیط کلان اقتصادی مرتبط می‌شود. شاخص‌هایی چون ساختار تعرفه‌ها و مالیات‌ها، ساختار رژیم تجاری، نیروی کار و سطح دست‌مزد، زیرساخت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ملی، وضعیت یارانه‌ها، معافیت‌ها و حمایت‌ها، ساختار بازار پولی و ارزی کشور، ساختار تأمین مالی، اندازه دولت و ...

ب) عوامل سیاسی و حقوقی: در این گروه اغلب مجموعه عواملی مورد بررسی قرار می‌گیرد که ذاتاً ماهیتی اقتصادی نداشته، اما می‌تواند اثرات قابل توجهی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته باشد، که از آن جمله می‌توان به ساختار حقوقی مالکیت، بحث مالکیت معنوی، ریسک سیاسی کشور، وضعیت بوروکراسی و قدرت دولت و ... اشاره نمود.

ج) عوامل مکانی و جغرافیایی: میلنر (۲۰۰۶) بیان می‌کند که «در این گروه معمولاً شاخص‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند که به‌نوعی بیان‌گر تفاوت‌های کشورهای از نظر جغرافیایی هستند. می‌توان به موقعیت ترانزیتی کشور، ساختار مواد معدنی و زیرزمینی کشورها، بحث دسترسی به بازارهای بین‌المللی، بحث ادغام‌ها و تریبات منطقه‌ای و دسترسی به آب‌های آزاد و ... اشاره نمود» (مزینی؛ مرادحاصل، ۱۳۸۹، صص ۱۵-۳۵).

۲- برداشت‌های دوگانه

سازمان‌ها و شرکت‌های بین‌المللی معمولاً سرمایه‌گذاری خارجی را برای کشور میزبان مثبت ارزیابی می‌کنند و به مزایایی از قبیل تأمین سرمایه برای رشد و توسعه، تأمین تکنولوژی، تأمین متخصصان مورد نیاز، امکان دستیابی به بازارهای خارجی، ایجاد اشتغال، تهیه ارز و افزایش درآمدهای مالیاتی کشور میزبان اشاره می‌کنند. در مقابل کشورهای میزبان ضمن این که از حضور و فعالیت شرکت‌های بین‌المللی منتفع می‌شود به ابعاد منفی سرمایه‌گذاری خارجی نیز توجه دارند. این ابعاد منفی که معمولاً در کشورهای در حال توسعه، هماهنگ با وضعیت سیاسی کشور با تبلیغات توأم می‌شود، از این قرار است: افزایش وابستگی، کاهش اقتدار دولت، افزایش استثمار، جایگزین کردن ارزش‌های سنتی با ارزش‌های غربی، تکنولوژی نامناسب، خروج ارز. سرمایه‌گذاری خارجی، دارای مزایا و معایبی است. به‌همین دلیل لازم است فرصت‌ها و محدودیت‌ها شناسایی و با دیدگاه طرف مقابل به‌خوبی آشنا شد.

۳- انواع ریسک‌های سیاسی

اقداماتی که دولت‌ها انجام می‌دهند و بر فعالیت شرکت‌های خارجی تأثیر می‌گذارد، از این قرار است:

- ✓ مصادره: گرفتن دارایی خصوصی یک شرکت یا سازمان به وسیله دولت بدون پرداخت غرامت، به این بهانه که شرکت به استعمار کشور می‌پردازد.
 - ✓ انکار و نفی قرارداد: امتناع دولت از تعهدات ناشی از قرارداد بدون ارائه دلیل مشخص.
 - ✓ عدم تبدیل ارز: ایجاد محدودیت‌هایی برای انتقال سود شرکت‌های خارجی به کشور مبدأ، از طریق تصویب قوانین ویژه یا طولانی کردن مسیر تبدیل ارز به نحوی که امکان انتقال ارز به سختی امکان پذیر شود.
 - ✓ مالیات تبعیضی: وضع نرخ مالیات برای شرکت‌های خارجی بالاتر از شرکت‌های داخلی.
 - ✓ تحریم: هرگونه ممانعتی که از طرف دولت نسبت به تجارت وضع شود، مانند ممنوعیت فروش بعضی از کالاها و خدمات به یک کشور خاص.
 - ✓ خلع ید از مالکیت: نفی مالکیت خصوصی شرکت خارجی و پرداخت غرامت در مقابل آن. خلع ید گاهی به صورت آهسته و خزنده صورت می‌پذیرد؛ مانند افزایش تدریجی نرخ مالیات بر سود، به نحوی که نهایتاً ادامه کار برای شرکت خارجی بی‌فایده می‌شود. همچنین ایجاد موانع روزافزون برای انتقال سود سهام از کشور میزبان، تغییر دادن درصد مالکیت محلی و غیره ...
 - ✓ ملی کردن: متمرکز کردن عوامل تولید در دست دولت و انتقال مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی با این پیش فرض که انتقال مالکیت به نفع عموم است.
 - ✓ جنگ، شورش، آشوب، قیام، هجوم، ضبط وثیقه‌های سپرده شده بابت حسن انجام کار و ... برخی از ریسک‌های سیاسی را می‌توان بیمه کرد و خسارات حاصله را از بیمه دریافت داشت، مانند: مصادره، خلع ید از مالکیت، ملی‌سازی، نفی قرارداد، غیر قابل تبدیل شدن ارز و تقاضای غیرقانونی برای ضبط وثیقه‌ها. تلخیص چارچوب مفهومی ریسک سیاسی، چنین است:
- در توضیح جدول (۱) شواهد تجربی بسیاری وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه که موجب ظهور ابرقدرت شوروی شد و توانست ایدئولوژی مارکسیسم و مرام سیاسی کمونیستی را به بسیاری از کشورهای جهان صادر کند، در بُعد اقتصادی، موجب مصادره اموال و زمین‌های بسیاری از مردم و سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران خارجی توسط دولت شوروی و حزب کمونیست شد و زمینه نااطمینانی و خروج سرمایه‌ها را از کشور فراهم کرد. البته هیچ‌گاه طبقه کارگر جامعه شوروی نتوانست نفعی از این زمین‌ها و سرمایه‌های ضبط شده ببرد و عمده این ثروت و اموال در دستان اعضای حزب کمونیست چرخ می‌خورد (سایت مشرق نیوز، ۱۳۹۰).

جدول (۱): چارچوب مفهومی ریسک سیاسی

ردیف	منشأ ریسک سیاسی	عوامل ایجادکننده ریسک سیاسی	اثرات ریسک سیاسی
۱	فلسفه‌های سیاسی رقیب (ملّی‌گرایی سوسیالیسم، کمونیسم و...)	دولت حاکم و نهادهای وابسته به آن	مصادره: از دست دادن دارایی‌ها بدون دریافت غرامت
۲	گروه‌های مذهبی رقیب	گروه‌های مخالف در پارلمان	خلع ید با پرداخت غرامت: از دست دادن آزادی‌های عملیاتی
۳	ناآرامی‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی	گروه‌های مخالف در خارج از پارلمان (مانند هرج و مرج طلبان یا جنبش‌های تروریستی فعال در داخل و خارج کشور)	محدودیت‌های عملیاتی، سهم بازار، ویژگی‌های خاص کالا یا محصول، سیاست‌های اشتغال و استخدام، مالکیت مشترک با محلی‌ها، محدودیت‌های وارداتی
۴	منافع و علایق گروه‌های تجاری محلی	گروه‌های ذی‌نفع غیر متشکل مانند: کارگران، دانشجویان، دهقانان، اقلیت‌ها و غیره	از دست دادن حق انتقال آزادانه منافع مالی (مانند سود سهام، بهره کالاهای، کارکنان، حقوق مالکیت)
۵	استقلال تازه به دست آمده یا انتظار به دست آوردن استقلال	سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مانند جامعه اروپا	
۶	کشمکش‌های مسلحانه، آشوب‌های داخلی برای کسب قدرت سیاسی و تروریسم	تمایل کشورهای خارجی به دخالت در کشمکش‌های مسلحانه به منظور حمایت از کشورهای داخلی	
۷	وابستگی‌های جدید بین‌المللی	نقض قراردادها و توافق‌ها یا فسخ آن‌ها	
۸	انحصارات و رانت‌های سیاسی داخلی	اعمال تبعیض‌های مختلف مانند مالیات‌ها، کنترل قیمت‌ها، عقد قراردادها فرعی اجباری	
۹	انقلاب‌ها و آشوب‌های داخلی	خسارت به اموال یا کارکنان (مانند گروگان‌گیری) از طریق آشوب، طغیان و قیام، جنگ و تروریسم	

در این راستا گفته می‌شود دو سیستم سیاسی و اقتصادی در تعامل گسترده‌ای نسبت به یکدیگر به‌سر می‌برند و تعیین تقدّم هر کدام بر دیگری، کار بهبودی‌ای است. به‌همین دلیل از سال ۱۹۴۵ میلادی، بر امنیت

اقتصادی در کنار تعاملات سیاسی توجه گردید. باری بوزان می‌نویسد: «در این مقطع در غرب از حکومت‌ها خواسته می‌شود که برای مردم خود امنیت اقتصادی ایجاد کنند و دولت نیز همین اهداف را دنبال می‌کند. البته شایان ذکر است که امنیت اقتصادی در تعامل با امنیت سیاسی و رفع شرایط خشونت‌آمیز معنا می‌یابد» (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳).

در حال حاضر متغیرهای کمی به مدل‌های ارتباط بین سیاست و اقتصاد وارد و معادلات گوناگون نیز در این زمینه طراحی شده است و در نهایت بر این امر تأکید می‌گردد که تحقق امنیت اقتصادی، مستقل و مجرد از امنیت سیاسی، اجتماعی و امنیت ملی قابل پیگیری نیست. به‌عنوان مثال، در کشورهای در حال توسعه، عدم اطمینانی که در فضای بی‌ثباتی سیاسی و خشونت‌های غیر قاعده‌مند پدید می‌آید، موجب کاستن از سرمایه‌گذاری‌ها و فرار سرمایه می‌شود: «ایران در سال ۱۹۹۹ در میان ۱۰۰ کشور جهان رتبه ۹۲ را به‌دست آورده و فقط ۸ کشور وضعیت ریسک ملی بدتری از ایران داشته‌اند. کشورهای سنگاپور و اسپانیا بهترین وضعیت و کشورهای عراق و یوگسلاوی به‌علت جنگ‌های داخلی و تحریم سازمان ملل متحد دارای بدترین وضعیت هستند. ایران با کسب درجه D و امتیاز ۷۸ از ۱۰۰، از نظر ریسک ملی پس از کشورهای در حال توسعه‌ای مانند امارات، مصر، چین، لبنان، عربستان، ترکیه و پاکستان قرار دارد» (ماه‌نامه اقتصاد ایران، ۱۳۸۱، ص ۲۰).

همچنین گزارش سالیانه «آنکتاد» در سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که رتبه ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بین ۱۴۰ کشور جهان ۱۳۰ است که عدم اطمینان و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی می‌تواند یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت ایران در جذب آن باشد (Unctad, 2005).^{۱۱} فلسفه‌های سیاسی رقیب نیز می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ریسک سیاسی باشد. به‌طور مثال، علی‌رغم وجود قانون سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، جناح‌های فعال سیاسی کشور هر کدام تلقی خاصی نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی داشته و با توجه به وزن سیاسی خود می‌توانند بر روی سرمایه‌گذاری خارجی تأثیرگذار باشند. مثلاً گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلب تلاش می‌کنند تا سرمایه‌گذاری خارجی را در کشور افزایش داده و از این امر حمایت می‌کنند. از سوی دیگر گروه‌های محافظه‌کار نیز وجود دارند که با دیده تردید نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور می‌نگرند و تمایلی به فعالیت زیاد شرکت‌های خارجی در کشور ندارند. دلایل آنان نیز متنوع بوده و ناشی از بی‌اعتمادی به خارجیان و تفکر حمایتی از صنایع داخلی است.

۴- چپستی ریسک سیاسی سرمایه گذاری

برخلاف تصور اولیه، ریسک سیاسی مهم ترین عامل ریسک یا خطرپذیری خارجی است که سودآوری سرمایه گذاری خارجی را در معرض آسیب قرار می دهد. شرکت های سرمایه گذار (چه داخلی و چه خارجی) در ذات خود، ابتدا محاسبات ضروری و ارزیابی مالی و سودآوری اقتصادی پروژه سرمایه گذاری را انجام می دهند و تا زمانی که از این محاسبات مطمئن نشوند، اصولاً اقدام به سرمایه گذاری نمی کند. اما باید توجه داشت، ریسک سیاسی مربوط به عواملی است که مستقیماً مربوط به محاسبات اقتصادی طرح نمی شوند، ولی بر آن تأثیر می گذارند. در برخی موارد ارزیابی سودآوری یک پروژه سرمایه گذاری به دلیل محاسبات غلط اقتصادی یا به میدان آمدن شرکای جدید یا به بازار آمدن کالاها و فن آوری های جدید با زیان مواجه می شوند و این ویژگی هر کار تجاری، از جمله سرمایه گذاری صنعتی است. اما ریسک سیاسی ناشی از سیاست های اقتصادی دولت، کمی یا زیادی نقدینگی در جامعه و یا ناآرامی های اجتماعی، خشونت سیاسی، تغییر رژیم، تهدیدات ثبات سیاسی، دامنه فساد و جرم در جامعه و توانایی یا عدم توانایی قوه قضائیه در مهار کردن این گونه ناامنی ها و مسائلی از این قبیل هم می تواند بر طرحی که به طور اصولی باید سودآور باشد، تأثیر بگذارد و آنرا با زیان مواجه می سازد.

با توجه به این که مقبولیت سرمایه گذاری در هر کشور بر اساس گزارش هایی است که مؤسسات معتبر محاسبه ریسک اعلام می کنند، توجه به تأثیر خشونت ها و ناآرامی های سیاسی بر رشد منفی سرمایه گذاری در هر کشور، بر اساس شاخص هایی که مؤسسات مختلف تعیین می کنند حائز اهمیت است. به طور مثال مؤسسه اکونومیست^۱ شاخص های مختلفی را در زمینه ریسک تعریف نموده و امتیازبندی کرده است. در این مؤسسه، درجه بندی ریسک از پایین ترین ریسک A تا بالاترین ریسک E انجام شده و امتیاز معادل این درجه ها عبارتند از: صفر تا ۲۰ برای مقطع A، ۲۱-۴۰ برای درجه B، ۴۱-۶۰ برای درجه C، ۶۱-۸۰ برای درجه D و ۸۱-۱۰۰ برای درجه E. در این روش، عوامل مؤثر در ریسک ملی به چهار دسته کلی شامل ریسک سیاسی، ریسک سیاست گذاری اقتصادی، ریسک ساختار اقتصادی و ریسک نقدینگی تقسیم می -

شوند (زارعشاهی، ۱۳۷۹)

الف) ریسک سیاسی

این نوع ریسک نشان دهنده میزان قدرت و ثبات سیاسی در سطح ملی و بین المللی، در زمینه

^۱ - مؤسسه بررسی ریسک (EIU)

پدیده‌هایی مانند جنگ، ناآرامی‌های اجتماعی، فساد، جرم و جنایت و... است. ریسک سیاسی از نظر وزنی ۲۲٪ ریسک ملی را تعیین می‌کند و به ۱۱ عامل مختلف در زیر دو عنوان کلی ثبات سیاسی و کارآیی سیاسی تقسیم می‌شود. ثبات سیاسی نشان‌دهنده وضعیت سیاسی از نظر تهدیدهای امنیتی داخلی و خارجی مانند جنگ و ناآرامی‌های اجتماعی است. کارآیی سیاسی نشان‌دهنده اداره مطلوب کشور است و به عواملی مانند میزان جرم و جنایت، فساد اداری، دیوان‌سالاری، نهادهای مدنی و تغییرات در دولت در جهت تأمین اهداف اقتصادی بستگی دارد.

ب) مخاطرات سیاست‌گذاری اقتصادی

این ریسک نشان‌دهنده کیفیت و ثبات سیاست‌های اقتصادی است که در قالب ۲۷ عامل مختلف در پنج زیرگروه شامل سیاست‌های پولی، مالی، ارزی، تجاری و مقرراتی ارزیابی می‌گردد. این نوع ریسک از نظر وزنی ۲۸٪ ریسک ملی را در بر می‌گیرد که بیشترین سهم در تعریف ریسک ملی به شمار می‌رود.

ج) مخاطرات ساختار اقتصادی

ریسک ساختار اقتصادی، قدرت پرداخت بدهی ملی به خارجی‌ها را می‌سنجد. این نوع ریسک از نظر وزنی ۲۷٪ ریسک ملی را به خود اختصاص می‌دهد.

د) مخاطرات نقدینگی

ریسک نقدینگی، عدم تعادل بالقوه میان منابع و تعهداتی را که می‌تواند نهادها و بازارهای مالی را آشفته سازد، ارزیابی می‌کند. همچنین، ثبات پشتوانه سرمایه کشور را اندازه می‌گیرد. این نوع ریسک ۲۳٪ از ریسک ملی را به خود اختصاص داده است (Gill; Law, 1988, pp.382-385). ایران در سال ۱۹۹۹ در میان ۱۰۰ کشور جهان رتبه ۹۲ را به دست آورده و فقط ۸ کشور وضعیت ریسک ملی بدتری از کشورمان داشته‌اند. کشورهای سنگاپور و اسپانیا بهترین وضعیت و کشورهای عراق و یوگسلاوی به علت جنگ‌های داخلی و تحریم سازمان ملل متحد دارای بدترین وضعیت هستند. ایران از یک حد متوسط به پایین امنیت اقتصادی برخوردار است و ۲۰ کشور صنعتی، بالاترین میزان امنیت اقتصادی را دارند. دوازده سرچشمه نارضایتی اقتصادی و سیاسی عبارتند از (زارعشاهی، ۱۳۷۹):

یک) شکاف عملکرد اقتصادی: این معیار، فاصله انتظارات اقتصادی مردم را از واقعیات اقتصادی موجود در جامعه اندازه می‌گیرد و میزان حمایت مردم را از دولت در روند توسعه اقتصادی بررسی می‌کند. دو) ثبات حکومت: این متغیر، کارآیی دولت فعلی را بر مبنای میزان ثبات حکومت، احتمال ماندگاری ثمربخش حاکمیت و تداوم سیاست‌های آنرا در صورت فوت یا برکناری رهبران حاضر منعکس می‌کند.

سه) تنش‌های قومی: این متغیر، میزان تنش‌های ناشی از اختلاف‌های قومی، ملیتی یا زبانی را منعکس می‌سازد.

چهار) جنگ‌های خارجی: این متغیر، احتمال وقوع جنگ‌های خارجی را که یک کشور با آن روبه‌روست اندازه‌گیری می‌کند. علل ناامنی سیاسی در این مورد، شامل اشغال کشور، اختلافات مرزی یا همسایگان، شورش‌های داخلی با حمایت قدرت‌های خارجی و جنگ‌های تمام‌عیار می‌شود.

پنج) فساد مالی: فساد مالی خود را به شکل رشوه و درخواست مبالغ ویژه در زمینه مجوزهای واردات و صادرات، کنترل‌های ارزی، ارزیابی‌های مالیاتی، خدمات حمایتی پلیس یا اعطای وام نشان می‌دهد. در جوامعی که حکومت‌های غیرمردمی هستند و یا دولت برای بیش از ۱۰ سال در رأس قدرت قرار دارد، ممکن است مقام‌های دولتی به پذیرش رشوه عادت کرده و پرداخت‌های غیر قانونی از نظر جامعه امری عادی تلقی شود. فساد مالی بیشتر، معادل امنیت اقتصادی کمتر است.

شش) کیفیت نظام اداری: نظام اداری توانمند و کارآمد در شرایطی پدید می‌آید که بازنگری در سیاست‌ها در هنگام تغییر دولت در کمترین حد باشد. برخوردهای سیاسی و جناحی در نظام اداری، معادل ناامنی سیاسی و اقتصادی است.

هفت) ترور و خشونت سیاسی: این متغیر، درجه مخالفت و ناراضی‌ت به شکل خراب‌کاری سیاسی از نوع حمله‌های مسلحانه، فعالیت‌های پارتیزانی، یا تلاش برای ترور نشان می‌دهد.

هشت) حقوق سیاسی: مقدار حقوق سیاسی به میزان کنترل و نظارت افراد جامعه بر حاکمان بستگی دارد. یک نظام در صورتی واقعاً آزاد و مردم‌سالارانه است که مردم در تعیین نهادهای نظام و رهبران‌شان دارای حق انتخاب باشند.

نه) آزادی‌های مدنی: این متغیر، میزان برخورداری افراد از حقوق مختلف را اندازه‌گیری می‌کند و شامل استقلال قوه قضائیه، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها، آزادی سازمان‌ها و احزاب سیاسی، آزادی اتحادیه‌های صنفی و کارگری و آزادی نهادهای دینی می‌گردد.

ده) حاکمیت قانون: امنیت اقتصادی در کشورهایی بیشتر است که دارای سنت نظام و قانون مستحکم و ریشه‌دار، نهادهای سیاسی بی‌عیب و نقص، نظام قضایی و تدارک برای واگذاری منظم قدرت هستند. یازده) عدم تعهد دولت به قراردادها: عواملی که احتمال چنین اقدامی را افزایش می‌دهند عبارتند از: تنزل درآمدهای دولت، کسری بودجه، تغییر دولت و یا تغییر در اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی.

دوازده) جنگ داخلی: این متغیر احتمال این موضوع را که مخالفت تروریستی با دولت به منازعات سیاسی خشونت‌بار داخلی تبدیل شود، اندازه‌گیری می‌کند.

گزارش سال ۲۰۱۱ کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد در مورد وضعیت سرمایه‌گذاری در جهان، خاطرنشان می‌سازد که کشورهایی که قادر به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نباشند در معرض خطر حاشیه‌ای شدن در صحنه جهانی قرار خواهند داشت. این گزارش، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه را یک مسأله حیاتی می‌داند که از راه آن مهارت‌های نیروی کار داخلی افزایش می‌یابد و علاوه بر انتقال تکنولوژی، پیوندهای ارتباط دوسویه تولید داخلی با تولید بین‌المللی برقرار می‌شود و این چشم‌انداز مؤید نظریات جدیدی است که هم‌بستگی شدیدی را بین ساختار و عناصر اقتصاد سیاسی بین‌المللی با ماهیت امنیت در همان سطح بیان می‌کند (UNCTAD, 2011). به‌طور مثال، در ایران به دلیل به‌هم خوردن ساختار امنیتی نظام داخلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند روبه‌رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره قبل از انقلاب، به روند «فرار سرمایه خارجی» و همراه با آن فرار سرمایه داخلی تبدیل گردید، به طوری که در سال‌های ۶۹-۱۳۶۱ به‌طور متوسط سالانه ۱۰۶ میلیون دلار سرمایه خارجی از کشور خارج شده است. البته به دلیل بهبود وضعیت سیاسی و امنیتی کشور در دهه ۷۰ این روند سیر نزولی به خود گرفت ولی مجدداً به دلیل تحریم‌های اقتصادی ورود سرمایه‌های خارجی به کشور کاهش یافته است (فاتحی؛ طوسی، ۱۳۸۵، ص ۹۷). در یک نظرسنجی انجام گرفته در مورد عوامل بازدارنده جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشکلات مناطق آزاد، بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی، سیاسی و حقوقی در میان متغیرهای گوناگون، رتبه نخست را به‌دست آورد. جامعه آماری این نظرسنجی متشکل از ۳۲ نفر از صاحب‌نظران اقتصاد ایران بود و نتیجه نشان داد که شاخص نبود امنیت اقتصادی با ۴۰/۶ درصد و مشکلات نظام سیاسی، شاخص بی‌ثباتی و ناامنی سیاسی با ۳۱/۳ درصد و مشکلات نظام حقوقی و مقرراتی، شاخص بی‌ثباتی و عدم شفافیت قوانین و مقررات قانون کار با ۳۴/۳ درصد، بیشترین مشکلات را به خود اختصاص داده‌اند (ماه‌نامه اقتصاد ایران، ۱۳۸۱، ص ۲۰).

۵- موارد و مصادیق ریسک سیاسی - اقتصادی

بی‌ثباتی سیاسی را با مبنای آشوب این‌گونه تعریف می‌کنند: اصطلاح آشوب شامل اعتراض‌های گسترده، اعتصاب‌های عمومی، تظاهرات، شورش‌ها، تروریسم، جنگ چریکی، جنگ داخلی و جنگ مرزی است. هم‌چنین شامل آشفته‌گی به دلیل واکنش دولت نسبت به ناآرامی‌ها نیز می‌شود. لیکن مصداق بارز ریسک سیاسی - اقتصادی تغییر سیاست‌های اقتصادی دولت است. می‌دانیم که دولت در چارچوب وظایف حاکمیتی خود، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان جامعه را شکل می‌دهد. ممکن است مصالح

عمومی ایجاد کند که دولت از فعالیت‌های تولیدی مالیات بیشتری بگیرد یا درآمدها و تسهیلات اعتباری خود را بیشتر در زمینه تقویت صنایع سنگین یا در امور کشاورزی به کار اندازد. همچنین بانک مرکزی را ملزم کند که سیاست انقباضی یا انبساطی در پیش بگیرد و مواردی از این قبیل. طبیعی است که در این گونه موارد دولت به کل منافع حاصل از این اقدامات برای جامعه نظر دارد؛ یعنی دید دولت کلان‌نگر است.

ممکن است از این گونه تصمیمات عده‌ای از تولیدکنندگان یا سرمایه‌گذاران زیان ببینند و عده‌ای سود ببرند. اما، سرمایه‌گذار ضامن سرمایه خویش است و مؤسسه بیمه ضامن منافع سرمایه‌گذار؛ یعنی بخش خصوصی مصلحت خویش را در نظر می‌گیرد و دولت مصلحت جامعه را و شرکت بیمه هم سعی می‌کند که درجه ریسک حساب شده‌ای را به کار گیرد تا سرمایه‌گذار و نهایتاً شرکت بیمه متضرر نشود. با فرض استقلال عمل دولت و نفوذناشتن سرمایه‌گذاران فرضی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های دولت، طبعاً سرمایه‌گذار نیازمند دانستن روند جاری و مستمر سیاست‌گذاری دولت است که این وظیفه را شرکت‌های متخصص در امر تحقیقات محاسبات ملی، از طریق شرکت‌های بیمه یا مستقلاً به تقاضای سرمایه‌گذار انجام می‌دهند و فرضاً به او می‌گویند که فلان کشور در به کارگیری تصمیمات جدید بسیار حساب‌شده عمل می‌کند و از تغییر سریع سیاست‌های اقتصادی پرهیز می‌نماید، یا به عکس شتاب‌زده عمل می‌کند و با صدور بخش‌نامه‌های متضاد و متعدد، تصمیم‌های قبلی لغو شده و تصمیم جدیدی گرفته می‌شود.

مورد دیگر ریسک سیاسی اقتصادی در کشورهایی است که با توجه به ساختار حکومتی خود و روابط خارجی با دیگر کشورها، دارای وضعیت پیچیده‌ای هستند و تغییر شرایط داخلی و خارجی به راحتی می‌تواند بر روی وضعیت اقتصادی و به تبع آن سرمایه‌گذاری خارجی آن‌ها تأثیرگذار باشد. حاکمیت نظریات آرمانی و ایدئولوژیک حکومت یکی از دلایل ریسک سیاسی بالا در این کشورها است. روابط تنش‌آمیز سیاسی با دیگر کشورها، وضعیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهمیت این امر به حدی است که با کاهش یا افزایش تنش‌های مذکور، تأثیر آن بر روی تقاضاها و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی قابل مشاهده است. تأثیر ایده‌های ضد سرمایه‌داری و پافشاری بر سیاست‌های حمایتی و دخالت‌گرای دولت، یکی دیگر از مواردی است که سرمایه‌گذاران خارجی را از ورود به چنین کشورهایی ناامید می‌کند.

۶- پوشش‌های بیمه برای ریسک‌های سیاسی

به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری زیاد ریسک سیاسی در دریافت سرمایه‌گذاری خارجی توسط کشورهای میزبان، امروزه یکی از مؤسسات وابسته به بانک جهانی اقدام به بیمه ریسک سیاسی

سرمایه‌گذاری‌های خارجی مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه می‌کند. البته شرکت‌های خصوصی و دولت‌هایی نیز هستند که به‌طور مستقل به این امر مبادرت می‌نمایند. مؤسسه چندجانبه تضمین سرمایه‌گذاری خارجی^۱ (MIGA) از مؤسسات وابسته به بانک جهانی، در ۱۹۸۸ تأسیس شده است. هدف این مؤسسه (با عضویت ۱۶۴ کشور) تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه از طریق تضمین سرمایه‌گذاری خارجی در مقابل خساراتی است که به‌دلیل ریسک‌های غیرتجاری مانند مصادره، محدودیت انتقال، جنگ و شورش به‌وجود می‌آید (Worldbank, 2014). «جان کای» مدیر مؤسسه «خطر سیاسی آسیا-اقیانوسیه» مستقر در ملبورن استرالیا در خصوص ریسک‌های سیاسی، چنین بیان می‌کند: انتظار می‌رود تقاضا برای بیمه ریسک سیاسی به‌طور اساسی در منطقه آسیا اقیانوسیه که با نشانه‌های رشد مستمر همراه است روبه‌افزایش باشد. همچنین پروژه‌های جدیدی در اندونزی، مالزی، فیلیپین و دیگر کشورها در دست اقدام است که روند بیمه ریسک سیاسی را با رشد فعالیت‌های طراحی‌شده در منطقه تجاری افزایش می‌دهد. بنابراین با بالاگرفتن روند روبه‌رشد تجارت در داخل و خارج منطقه، شما با عرضه ریسک‌های سیاسی مورد توجه بانک‌داران و شرکت‌های حقوقی روبه‌رو خواهید شد. زمانی که شرکت‌های چندملیتی در کشورهای خارجی سرمایه‌گذاری می‌کنند با یک سلسله مخاطرات روبه‌رو می‌شوند که خطرهای فاقد پوشش بیمه‌ای می‌تواند برای آن‌ها خسارات سنگین به‌بار آورد و لازم است این خطرات بیمه شوند. بنابراین، مدیران ریسک، حساب‌داران و حساب‌رسان و وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی باید در جهت تأمین پوشش بیمه‌ای خطرات پویای سیاسی اقدام کنند (Key, 2009, pp.135-137).

۷- بیمه ریسک سیاسی^۲

نوعی بیمه‌نامه است که تجار و بازرگانان با هر حجم فعالیت تجاری با هدف پوشش در برابر ریسک‌های سیاسی دریافت می‌نمایند. چنین ریسک‌هایی شامل انقلاب و یا هر نوع تغییر شرایط سیاسی دیگری است که باعث خسارت می‌گردد. بیمه ریسک‌های سیاسی پوشش‌های متفاوتی دارد، از جمله پوشش در برابر فشارهای سیاسی همانند انقلاب، شورش، آشفتگی‌های داخلی، تروریسم و یا جنگ؛ مصادره و سلب مالکیت توسط دولت و یا مصادره و توقیف دارائی‌ها؛ مخرومیت‌های دولتی و عدم

^۱- Multilateral Investment Guarantfeer Agency

^۲- Political Risk Insurance

پذیرش قرارداد و رد آن‌ها؛ عدم‌النفع؛ تغییر و نوسان قیمت در برابر ارزش‌های رایج خارجی و یا ناتوانی در بازپرداخت وجوه؛ و، اعتبارنامه‌ها و یا دیگر ضمانت‌نامه‌های مورد تقاضا.

بیمه‌گری ریسک‌های سیاسی، وابسته به رشد فعالیت‌های تجاری است و با رشد اقتصاد جهانی و ارتباطات تجاری بین شرکت‌ها در عرصه بین‌الملل هر ساله چنین ریسک‌هایی افزایش می‌یابد. برخی از چنین مبادله‌های تجاری به واسطه ارائه محصولات جدید و یا ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی رشد بیشتری خواهند داشت. بیمه‌گران بزرگ ریسک‌های سیاسی، دارای فرم‌های استاندارد برای پوشش‌های چنین خسارت‌هایی هستند. برای ریسک‌های بزرگ و یا مختلط استانداردهای خاصی وجود دارد؛ چندین شرکت در قالب سندیکا و یا از طریق بیمه مشترک و در برخی موارد با مشارکت بیمه‌گران اتکایی پوشش ارائه می‌دهند. نمایندگان شرکت‌های بیمه دولتی و یا شرکت‌های بیمه خصوصی با دامنه وسیعی از انتخاب‌های موجود و کارگزاران خاص که توصیه‌های فراوانی به خریداران ارائه می‌دهند، ارائه‌دهنده بیمه ریسک‌های سیاسی هستند. بیمه، ریسک‌های سیاسی انقلاب و دیگر شرایط سیاسی را که منجر به خسارت شود، تحت پوشش قرار می‌دهد. در برخی از این بیمه‌نامه‌ها پوشش‌هایی نظیر هزینه آزاد کردن گروگان، هواپیماهایی، توقیف اشتباه، مسئولیت قانونی و هزینه تیم مدیریت بحران نیز ارائه می‌شود.

باید توجه داشت اگرچه یکی از راه‌های شناخته‌شده برای جلوگیری از خطر ریسک سیاسی، شرکت‌های بیمه هستند که از طریق عملیات بیمه، خسارت ناشی از حوادث معین و مشخص را در صورت وقوع، به مؤسسات بازرگانی و تولیدی پرداخت می‌نمایند، اما همبستگی مثبتی بین ریسک سیاسی و قیمت این بیمه‌ها وجود دارد؛ به طوری که، در صورت بسیار بالا بودن ریسک سیاسی، به دلیل بالا بودن حق بیمه و یا عدم تقبل شرکت‌های بیمه‌ای بین‌المللی، احتمالاً حتی سازوکار بیمه نیز کارا نباشد. به طور مثال، فعالیت‌های هسته‌ای ایران در حال حاضر مهم‌ترین بحران در حوزه سیاست خارجی کشور است که با تصویب تحریم‌هایی از سوی شورای امنیت و برخی کشورها، به طور مستقیم یا غیرمستقیم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را با مشکل روبه‌رو کرده است. پوشش بیمه‌ای، برای برخی موارد ریسک سیاسی نتیجه‌بخش است و برای برخی دیگر از موارد باید به دنبال برطرف کردن علت آن نوع از ریسک سیاسی بود. تازمانی که منشاء ریسک سیاسی از بین نرود نمی‌توان امیدوار به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی بود.

۸- گسترش پوشش‌های بیمه برای ریسک‌های سیاسی

وجود بیمه خطرهای سیاسی هنگامی تحقق می‌یابد که نهاد‌های مالی بین‌المللی برای ارائه منابع مالی به پروژه زیربنایی با پرداخت وام و حمایت کردن از معاملات تجاری آن‌ها را ملزم به دریافت بیمه خطرهای

سیاسی می‌کنند. همچنین این بیمه می‌تواند پیمان کاران را در برابر زیان‌های وارده به کارخانه‌ها و تجهیزات آن‌ها و شرکت‌ها را در برابر خطراتی که سرمایه‌های آنان را تهدید می‌کند، یاری کند. خرید بیمه ریسک سیاسی و ایجاد پوشش در هنگامی که یک مؤسسه درگیر معاملات چندجانبه (معاملات بین‌کشوری) است امر تازه‌ای نیست. بیمه‌گذاران بخش خصوصی نسبت به بیمه‌گران بخش دولتی، مدت زمان کمتری است که به این امر اشتغال دارند و بیمه‌گران بخش دولتی از سال‌ها قبل به این کار اشتغال داشته‌اند. در سال‌های اخیر کارآیی بیمه ریسک سیاسی به‌نحو چشم‌گیری افزایش یافته و بخش خصوصی در تولید آن سهم به‌سزایی داشته است. این امر بیان‌گر آن است که در این دوره بیمه ریسک سیاسی در مقایسه با ۵۰ سال گذشته بیشتر مورد معامله قرار گرفته است. بانک‌ها خریداران عمده این بیمه به‌شمار می‌روند و برای کمک به انباشت ذخایر و به‌دست آوردن نیازهای مالی کافی است که کمیته اعتبارات داخلی در جهت کسب بیمه ریسک سیاسی مقرراتی تنظیم و به خریداران ارائه دهد. به دلیل اهمیت موضوع، شرکت‌ها برای این که وضعیت مالی خود را از خطرات سیاسی دور کنند، ناگزیر به خرید پوشش بیمه ریسک سیاسی شده‌اند. قسمت عمده‌ای از دارایی‌ها و درآمد شرکت‌ها در پروژه‌های چندگانه، سرمایه‌گذاری می‌شود و این موضوع اجتناب از پذیرش خطر سیاسی را غیرممکن می‌سازد. پوشش بیمه‌ای برای شرکت‌ها، نوعی سپر برای مقامات و مدیران در مقابل خشم بالقوه سهام‌داران در مواقع بروز زیان نیز هست.

گزارش آژانس تضمین سرمایه‌گذاری‌های چندجانبه (MIGA) نشان می‌دهد، با افزایش ناآرامی‌ها در سال‌های گذشته، تقاضا برای خرید بیمه‌نامه‌های مسئولیت و تجاری به‌شدت افزایش داشته است. در حقیقت شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی می‌خواهند در برابر شورش‌ها، اعتصاب‌ها و کودتاها از اموال و دارایی‌های‌شان حفاظت کنند. در سال ۲۰۱۲ میلادی میزان بیمه‌نامه‌های خریداری‌شده مربوط به تهدیدهای سیاسی حدود ۳۳ درصد افزایش داشت. متخصصان بر این باورند که اگر بخش خصوصی و دولتی در این زمینه با یکدیگر همکاری کنند می‌توان امید داشت که این نوع از بیمه در آینده مشتریان بیشتری را به سمت خود جذب کنند. در حال حاضر در بازارهای جنجالی و پرچالش، تقاضا برای خرید بیمه ریسک سیاسی افزایش داشته است و تجار برای حفظ فعالیت‌هایشان مشتاق خرید بیمه‌نامه‌های جدید هستند. البته طبق بررسی‌های آژانس تضمین سرمایه‌گذاری‌های چندجانبه، به‌رغم تمامی ریسک‌های اقتصادی و تهدیدهای سیاسی اکثر سرمایه‌گذاران اعلام کردند که قصد ندارند از طرح‌های خود عقب‌نشینی یا آن‌ها را لغو کنند و علی‌رغم این که بی‌ثباتی در اقتصادهای کلان و ریسک‌های سیاسی به ترتیب در رأس فهرست نگرانی‌های تجار در میان‌مدت و کوتاه‌مدت است، نیمی از شرکت‌کنندگان انتظار دارند میزان سرمایه-

هایشان در کشورهای توسعه‌یافته در ۱۲ ماه آینده رشد کند (Miga, 2014). تا زمانی که سرمایه‌گذارانی که عمدتاً از کشورهای توسعه‌یافته و در مقیاس‌های کوچک‌تر کشورهای در حال توسعه هستند، از امنیت سرمایه‌های خود مطمئن نشوند، روند سرمایه‌گذاری و روند توسعه کشورهای میزبان افت شدیدی را تجربه خواهد کرد؛ زیرا این کشورها برای سرمایه‌گذاری باید از ثبات حقوقی کشور میزبان اطمینان داشته باشند.

۹- مسائل مربوط به بیمه‌گری و صدور بیمه‌نامه

بدیهی است پوشش خطرهای سیاسی عمل ساده و پیش‌پاافتاده‌ای نیست. تا زمانی که نیروهای پیچیده سیاسی و اقتصادی پیوندهای ناگسستنی دارند، بیمه‌گر ریسک‌های سیاسی باید با دقت بیشتری خطرات مورد بیمه را ارزیابی کند. نخست، آن که بیمه‌گران باید جزئیات هر پروژه را در نظر داشته، سپس ویژگی‌های رشد اقتصادی پروژه، همچنین پذیرش اجتماعی پروژه، ارتباط آن با اقتصاد کشور میزبان، درجه خطرات مالی و تمامی مسائل محیطی و چگونگی حضور شرکاء و بانک‌داران پروژه را مشخص کنند. اغلب بیمه‌گران و صادرکنندگان بیمه‌نامه‌های خطرهای سیاسی، از پروژه‌هایی حمایت می‌کنند که دائمی هستند و از پروژه‌هایی که پیش‌بینی می‌کنند با شکست مواجه می‌شوند جانب‌داری نمی‌کنند.

نتیجه‌گیری

به‌لحاظ نظری، همه اقتصاددانان «سرمایه» را به‌عنوان نیروی محرک رشد و توسعه اقتصادی تلقی می‌کنند. فواید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، بالابردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابت است. با توجه به نقش مهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کشورها برای جذب این نوع سرمایه تلاش می‌کنند. بازار جهانی جذب این نوع سرمایه‌ها، بسیار رقابتی است. این رقابت به‌ویژه میان کشورهای در حال توسعه که با کمبود منابع مالی مواجه هستند بیشتر است. این گونه کشورها دنبال جذب انواع سرمایه هستند و تمهیدات گوناگونی برای جذب این نوع سرمایه‌ها به کار می‌برند. باید توجه داشت عوامل گوناگونی روی تصمیم شرکت‌های چندملیتی برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی مؤثر هستند. این شرکت‌ها قبل از هر گونه سرمایه‌گذاری ابتدا تجزیه و تحلیل هزینه-منفعت را انجام می‌دهند و در صورتی که پروژه خارجی مقرون به صرفه اقتصادی باشد، اقدام به انجام آن می‌کنند. اما آنچه قبل از سودآوری برای آن‌ها اهمیت بیشتری دارد، ساختار سیاسی حاکم بر کشور میزبان است، به‌طوری که این ساختار حتی می‌تواند سودآوری پروژه آن‌ها را تحت

تأثیر قرار دهد. ساختار سیاسی یک کشور نحوه برخورد آن را با شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی مشخص می‌کند. برخی کشورها به شدت از سرمایه‌گذاری خارجی حمایت می‌کنند، به طوری که در ساختار سیاسی آن‌ها اقداماتی مشاهده می‌شود که به حفظ سرمایه‌گذاری خارجی می‌انجامد و بر عکس برخی کشورها به دلایل خاصی، برای سرمایه‌گذاران خارجی مشکل‌آفرینی می‌کنند که به خروج این سرمایه‌ها از کشور میزبان می‌انجامد. چنانچه امنیت سرمایه‌گذاری خارجی و بستر قانونی لازم در کشورهای در حال توسعه فراهم شود، سرمایه‌گذاران بین‌المللی رغبت بیشتری برای حضور در این گونه بازارها پیدا خواهند کرد و قدرت جذب سرمایه‌ها توسط آن‌ها بیش از پیش به وجود می‌آید (Demello; Luiz, 1999, pp.133-154).

با گسترش جهانی شدن اقتصاد و گردش سرمایه در سطح بین‌الملل، خسارت‌های ناشی از ریسک سیاسی نیز افزایش می‌یابد و حتی در برخی مواقع خسارت‌ها بسیار سنگین می‌شود به گونه‌ای که شرکت مورد نظر را به حاشیه سودآوری می‌کشاند. به طور مثال، می‌توان از شرکت استخراج‌کننده معدن طلای جزایر سلیمان یاد کرد که از فعالیت آن در زمینه استخراج معدن ممانعت به عمل آمد. به عبارتی این شرکت متضرر ریسک سیاسی موجود در شرایط کارش گردید. ریسک سیاسی می‌تواند منشأهای مختلفی داشته باشد، همچنین می‌تواند به شکل‌های گوناگون بروز کند: صادره، خلع ید، محدودیت‌های عملیاتی، ازدست‌دادن حق انتقال آزادانه منافع مالی (مانند: سود سهام، بهره کالاهای کارکنان، حقوق مالکیت) و سیاست‌های اشتغال و استخدام، مالکیت مشترک با محلی‌ها، محدودیت‌های وارداتی (در صورتی که برای تولید کالا ضروری است و ...) با توجه به گسترش انقلاب‌ها و تحولات سیاسی که در سال‌های اخیر در جهان اتفاق افتاده است، سرمایه‌گذاران خارجی قبل از انتقال سرمایه‌های خود به کشور میزبان، بیش از پیش به وجود ریسک سیاسی در آن کشور توجه می‌کنند. آن‌ها حتی در صورت وجود کمترین درجه ریسک سیاسی از انتقال سرمایه‌های خود به کشور میزبان خودداری می‌کنند. البته، سازمان‌های بین‌المللی که در صدد کمک به کشورهای در حال توسعه هستند، به دلیل این که کشورهای مذکور اغلب با ناآرامی‌های سیاسی روبه‌رو هستند و به همین دلیل شرکت‌های بین‌المللی از انتقال سرمایه خود به آن‌ها خودداری می‌کنند، وام‌هایی را از این شرکت‌ها دریافت و سپس آن‌را در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می‌دهند. شرکت‌های چندملیتی به اعتبار این که مؤسسات بین‌المللی دارای شخصیت حقوقی (مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) و دارای منبع عظیم مالی هستند، وام لازم را در اختیار آن‌ها می‌گذارند، در حالی که هیچ‌گاه حاضر نیستند به یک کشور در حال توسعه که با انواع ریسک سیاسی مواجه است وام بدهند.

یکی از راه‌های شناخته‌شده برای جلوگیری از خطر ریسک سیاسی، شرکت‌های بیمه هستند. شرکت‌های بیمه از طریق عملیات بیمه موافقت می‌نمایند که خسارت ناشی از حوادث معین را در صورت وقوع، به مؤسسات بازرگانی و تولیدی پرداخت نمایند. در مقابل، آن مؤسسه نیز هر ماه یا هر سال مبلغ معینی به شرکت بیمه پرداخت می‌نماید. شرکت‌های بیمه با قبول ریسک‌های موجود بر سر راه مؤسسه تجاری، او را تشویق به سرمایه‌گذاری‌های کلان می‌کنند، در حالی که در صورت نبود بیمه، سرمایه‌گذاران حاضر به سرمایه‌گذاری در مبالغ زیاد نخواهند شد. امروزه معاملات و سرمایه‌گذاری‌های چندجانبه به مراتب آسیب‌پذیرتر از گذشته هستند. وجود بی‌ثباتی سیاسی در جهان، بیمه ریسک سیاسی را به‌عنوان یک ابزار ضروری برای مدیریت ریسک معرفی می‌کند، به‌ویژه زمانی که تجارت در یک کشور در حال توسعه صورت می‌گیرد. در حقیقت مدیران شرکت‌ها اکنون به‌خوبی می‌دانند که تهدیدها در حال افزایش هستند و احتمال جبران خسارت‌ها بسیار سخت است. در بسیاری از مناطق جهان درخواست‌ها برای داشتن پوشش‌های بیمه‌ای رو به گسترش است و این مسأله، گسترش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و ادغام شرکت‌ها را افزایش داده است. بانک‌ها نیز خواهان پوشش بیمه‌ای برای پروژه‌های مالی خود هستند.

منابع

- بوزان، ب. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
ذوالقدر، م. (۱۳۸۸). مبانی نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. سیاست، ۳۹ (۲)، صص ۸۹-۱۰۷.
زارعشاهی، علی. (۱۳۷۹). سایت: <http://www.ensani.ir/fa/content/150744/default.aspx>
شاه‌آبادی، ا. و محمودی، ع. (۱۳۸۳). تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. جستار اقتصادی، ۵، صص ۸۹-۱۲۵.
فاتحی، ک. و طوسی، ع. (۱۳۸۵). کشورهای در حال توسعه فرار سرمایه و ناآرامی‌های سیاسی اجتماعی. برنامه و توسعه، ۲ (۴)، ص ۹۷.
ماندل، ر. (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی. پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده راهبردی.
ماهنامه اقتصاد ایران. (۱۳۸۱). ۱۵، ص ۲۰.
مزینی، ا. و مرادحاصل، ن. (۱۳۸۹). بازشناسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. پژوهشنامه اقتصادی، ویژه‌نامه بازار سرمایه، ۷، صص ۱۵-۳۵.
A.KyawNyonyo, J., & AnandShetly, M. (2011). *Factors in multinational valuations: transparency, political risk and diver specification*. Journal of Multinational Finance Management, 21(1), pp.55-67.

- Al Khattab, A.; Ancher, J., & Eleannor, D.(2007). *Managerial perceptions of political Risk in International Projects*. International Journal of protect Management, 25(7), pp.734-743.
- AlonLian, T., & Herbert, T.(2009). *A Stranger, in a Stranger Land: Micro political Risk and the Multinational Firm*. Business Horizons, 52(2), pp. 127-137.
- Busse, M., & Hefeker, C.(2007). *Political Risk, Institutions and Foreign Direct Investment*. European Journal of Political Economy, 23(29), pp. 397-415.
- Buzan, B.(1994). *The Interdependence of Security And Economic Issues in the New WorldOrder*. in: Richard Stubbs and Geoffrey R., Political Economy and The Changing Global Order, Great Britain, Macmillan Press LTD, p.99.
- De mello, J., & Luiz, R.(1999). *Foreign Direct Investment Led Growth: Evidence from Time Series and Panel Data*. Oxford Economic Paper, 51, pp. 133-154.
- Di Mauro, F.(2001). *The Impact of Economic Integration on FDI and Exports*. A Gravity Approach. CEPS Working Document, 4, pp. 156.
- Gill, S., & Law, D.(1988). *The Global Economy: Perspectives, Problems and Policies*, Hemel Hempstead : Harvester Wheatsheaf, Ch.1. pp. 382-385.
- Key, J.(2009). *The Long And The Short Of It*. United Kingdom, London, Maccgrohil.
- Jakobsen, J.(2011). *Political Risk in the 21 Centaury*. Business Horizons, pp. 481-490.
- Kesternich, I., & Schnitzer, M.(2012). *Who is Afraid of Political Risk? Multinational Firms and Their Choice of Capital*. Journal of Multinational Finance Management, 4(1), p.183.
- [http://unctad.org/en/Pages/ World Investment Report, 2005](http://unctad.org/en/Pages/WorldInvestmentReport,2005)
- [http://unctad.org/en/Pages/ World Investment Report, 20011](http://unctad.org/en/Pages/WorldInvestmentReport,20011)
- <http://www.miga.org/investmentguarantees/index.cfm>
- <http://www.worldbank.org/en/about>
- <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/6716590/266>
- [http://unctad.org/en/Pages/ World Investment Report, 2005](http://unctad.org/en/Pages/WorldInvestmentReport,2005)